

پژوهشی دربارهٔ طبسین

مهدی جلیلی

دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی (مشهد)

چکیده:

در بخش نخست، واژهٔ **طَبْسِین** را در متون تاریخی و جغرافیایی - از سدهٔ ۳ق. تا دورهٔ معاصر - مورد بررسی قرار داده و با استناد به منابع به این نتیجه رسیده‌ایم که پیش از سدهٔ ۶ق.، **طَبْسِین** بر **طَبْسِ خَرَمَا** و **طَبْسِ عُنَّاب** که بعداً از آن به **طَبْسِ گِیلکی** و **طَبْسِ مَسینان** یاد شده، اطلاق نگردیده است از سدهٔ ۶ق. به بعد جغرافی‌نویسان عرب و نیز نویسندگان سده‌های اخیر، **طَبْسِ گِیلکی** و **طَبْسِ مَسینان** را **طَبْسِین** نامیده‌اند.

در بخش دوم مقاله، ضمن بررسی و تحلیل گفتهٔ تاریخ‌نویسان و پی‌گیری مسیر حرکت مسلمانان از کرمان به خراسان و بررسی موقعیت و مسافت میان **طَبْسِ گِیلکی** و **طَبْسِ مَسینان** به این نتیجه رسیده‌ایم که منظور از **طَبْسِین**، **طَبْسِ گِیلکی** و **کَرین** می‌باشد و **کَرین** نیز خود در نخستین سده‌های ق. حداقل شهری در حد **طَبْسِ گِیلکی** بوده است. دلایل و قراینی که پیشینهٔ تاریخی **کَرین** را نشان می‌دهد، مؤید نظر مؤلف است.

کلید واژه‌ها: **طَبْسِین**، **طَبْسِ خَرَمَا**، **طَبْسِ عُنَّاب**، **طَبْسِ گِیلکی**، **طَبْسِ مَسینان**، **کَرین**، **کَرین**.

در خراسان از سه جا به نام **طَبْسِین** یاد می‌شود: ۱- **طَبْسِین** در فاصله حدود ۲۲ کیلومتری شمال شرق سبزوار. ۲- **طَبْسِ عُنَّاب** یا **طَبْسِ مَسینان** که از آن به **طَبْسِ سنی** یا **سنی‌خانه** هم یاد می‌شود (لسترنج، ص ۳۸۸) و جزو بخش درمیان در شرق بیرجند است. ۳- **طَبْسِ خَرَمَا** یا **طَبْسِ گِیلکی** که در حاشیهٔ شرقی کویر در فاصله ۵۳۷ کیلومتری

مشهد، مرکز استان خراسان قرار دارد و در این مقاله به عنوان یکی از طبسین مورد بررسی قرار گرفته است. در اوایل سده ۱۴ نام این طبس را به گلشن تغییر دادند؛ ولی این نام بر جای نماند و اکنون به جای آن نام طبس و در برخی از موارد طبس گلشن به کار می‌رود. گری یا گزین که اکنون گزیت نامیده می‌شود، در فاصله حدود بیست کیلومتری جنوب شرقی طبس گیلکی واقع شده است.

در غالب منابعی که در سده ۳ ق. و حتی تا میانه سده ۴ ق. تألیف شده و از طبسین یاد کرده‌اند، توضیحی درباره آن نمی‌بینیم. به احتمال زیاد ابوالحسن مدائینی (د اوایل سده ۳ ق.) که روایات مربوط به فتوحات مسلمانان را گردآوری کرده، نخستین فردی است که از طبسین یاد کرده است. وی کتابی درباره فتح خراسان نوشته (ابن ندیم، ص ۱۱۵) که اصل آن مفقود شده، ولی روایاتش در منابع تاریخی و جغرافیایی نقل شده است. ابن فقیه (ص ۳۱۸) به نقل از مدائینی گوید: نخستین بخش خراسان که فتح شد، طبسین بود که دروازه خراسان است.

این شهر را عبدالله بن بدیل بن ورقاء گشود.^۱ بلاذری (ص ۳۹۴) تنها مورخی است که در سده ۳ ق. به توضیح طبسین پرداخته است. وی آن را دارای دو بارو دانسته که یکی را طبس و دیگری را کرین می‌گفتند. ابن قتیبه (ص ۴۱۸) (۲۷۶ د. ق.) و ابوحنیفه دینوری (ص ۳۶۴) (۲۸۲ د. ق.) بدون هیچ توضیحی از طبسین یاد کرده‌اند. یعقوبی (ص ۲۷۸) (۲۸۴ د. ق.) از طبسین و قهستان به عنوان دو ناحیه که جزو نیشابور بوده یاد کرده است، اما درباره موقعیت طبسین توضیحی نمی‌دهد. گفته یعقوبی به این نکته اشاره دارد که در نیمه دوم سده ۳ ق. طبسین جزو قهستان نبوده است.^۲ ابن خردادبه (صص ۳۵، ۵۲) (د حدود ۳۰۰ ق.) و طبری (۲۷۰۴/۵) (د ۳۱۰ ق.) هم بدون آن که درباره طبسین توضیحی

۱. چون ابن فقیه طبسین را دروازه خراسان شمرده باید مراد او از طبسین، طبس خرما و شهری دیگر در نزدیک آن باشد که در حاشیه کویر و در جنوب غربی قهستان بوده است.

۲. از گفته یعقوبی که طبسین و قهستان را جزو نیشابور دانسته و روایت طبری (۲۶۸۲/۵) که گوید احنف بن قیس از طبسین وارد خراسان شد و روایتهای دیگری که طبسین را دروازه‌های خراسان دانسته‌اند (بلاذری، ص ۳۹۴؛ طبری، ۲۷۰۵/۵) چنین برمی‌آید که طبسین در سده‌های نخستین جزو خراسان بوده و از سده ۴ ق. به بعد در شمار شهرهای قهستان درآمد است (ابن حوقل، ص ۴۴۶).

بدهند، به ذکر نام آن را بسنده کرده‌اند.

احتمالاً اصطخری (۳۴۶ ق.) نخستین جغرافیدان مسلمان است که به توصیف طبسین پرداخته است. وی شهرهای ینابذ (گناباد) طبسین را که به کری معروف است، و نیز خور و طبس را که به طبس مسینان شناخته می‌شود، در شمار شهرهای قهستان یاد کرده (ص ۲۷۳) و دربارهٔ طبسین گوید (ص ۲۷۴): «طبسین شهری است کوچکتر از قاین. از مناطق گرمسیر است و نخلستانهایی دارد. شهر حصاری دارد، اما قلعه ندارد. ساختمانهای آن از گل بنا شده و آب آن از کاریز است. نخلستانهای طبسین بیشتر از باغ و بستان قاین است».

اصطخری (ص ۲۷۴) دربارهٔ طبس مسینان غیر از تعیین فاصله آن تا قاین اطلاع بیشتری در اختیار ما نمی‌گذارد.^۱ در کتاب *صورة الارض* ابن حوقل (ص ۳۷۲) که در نیمهٔ دوم سدهٔ ۴ ق. تألیف شده، طبسین توصیف شده است؛ اما توضیحات وی بیشتر از آن چه اصطخری بیان کرده، نیست. اصطخری و ابن حوقل (همان جاها) یادآور شده‌اند که نخلستانهای قهستان در طبسین است و سایر شهرهای قهستان در منطقهٔ سردسیر است. در کتاب *حدود العالم* (ص ۹۱) از مؤلفی ناشناخته که در نیمهٔ دوم سدهٔ ۴ ق. تألیف شده از طبسین، کری و طبس مسینان یاد شده است. مقدسی (د بعد از سال ۳۸۱ ق.) از کری، طبس و طبس سفلی (ص ۵۰) و در جای دیگر (ص ۳۰۱) از طبس عُناب، طبس خرما و کری به عنوان شهرهای قهستان یاد کرده است.

ناصر خسرو قبادیانی که در ربیع الاول سال ۴۴۴ ق. وارد شهر طبس خرما شده، گوید (ص ۱۶۹): «طبس شهری انبوه است، اگر چه به روستا نماید. و آب اندک باشد و زراعت کمتر کنند. خرماستانها باشد و بساتین. و چون از آن جا سوی شمال روند، نیشابور به چهل فرسنگ باشد. و چون سوی جنوب به خبیص روند - به راه بیابان - چهل فرسنگ باشد. و سوی مشرق کوهی محکم است، و در آن وقت امیر آن شهر گیلکی بن محمد بود، و به شمشیر گرفته بود. و عظیم ایمن و آسوده بودند مردم آن جا، چنانکه به شب در سراپها نبستندی. و ستور در کویها باشد، با آن که شهر را دیوار نباشد. و هیچ زن

۱. «مسافت میان قاین و طبس مسینان دو روز راه است».

را زهره نباشد که با مرد بیگانه سخن گوید، و اگر گفتی هر دو را بکشتندی. همچنین دزد و خونی نبود از پاس و عدل او».

از بررسی منابع تاریخی و جغرافیایی به این نتیجه می‌رسیم که:

- تا پایان سدهٔ ۵ق. از طبسین و طبس مسینان جداگانه یاد شده است و طبسین را بر طبس مسینان اطلاق نکرده‌اند. به عبارت دیگر در متون جغرافیایی طبسین به معنی طبس خرما و طبس عُنَّاب به کار نرفته است.

- از طبسین به نام کری هم یاد شده که بلاذری آن را یکی از طبسین می‌داند.

- از سدهٔ ۵ق. که گیلکی بن محمد حاکم طبس خرما شد، از این شهر به طبس گیلکی

هم یاد شده است.

- فقط طبسین که در منطقه گرمسیر بوده نخلستان داشته و سایر مناطق قهستان

سردسیر و فاقد نخلستان بوده است.

از سدهٔ ۶ق. در منابع تاریخی و جغرافیایی، طبس خرما و طبس مسینان را طبسان یا

طبسین نامیده‌اند. احتمالاً سماعنی (۲۶/۴) (۵۶۲د ق.) نخستین بار طبس خرما را طبس

گیلکی نامیده و طبسان را به طبس گیلکی و طبس مسینان تفسیر کرده است.

یاقوت حموی (۲۲/۴) در سدهٔ ۷ق. احتمالاً تحت تأثیر منابعی که از سدهٔ ۶ق. به بعد

نوشته شده است گوید: «طبسان مرکز ناحیه‌ای میان نیشابور و اصفهان است که قهستان

قاین نامیده می‌شود و آن دو شهر است که هر یک را طبس گویند، یکی طبس عُنَّاب و

دیگری طبس خرما».

یاقوت یادآور می‌شود (۲۳/۴) که ایرانیان، طبس را به شکل مفرد و عربها آن را به

شکل تثنیه به کار می‌برند. وی در جای دیگر (۵۲۰/۴) کُرین را یکی از طبسین دانسته

است. احتمالاً علت این تناقض‌گویی آن است که او در ذیل مدخل کرین وضعیت موجود

آن جا را در سدهٔ ۷ق. به عنوان یکی از روستاهای طبس ثبت کرده و با یادآوری این نکته

که «گفته می‌شود کرین یکی از طبسین است»، وضعیت گذشته کرین را که - همانطور که

بعداً گفته خواهد شد - در سده‌های نخستین ق. در حد شهر طبس خرما بوده و به همین

جهت آن را یکی از طبسین دانسته‌اند، یادآور شده است. اشاره یاقوت (۲۲/۴-۲۳) به

این که طبسان نخستین ناحیه از سرزمین خراسان بود که مسلمانان گشودند و طبسان در

یک جا واقع شده و آن جا دروازه خراسان است، شواهد دیگری است بر این که منظور از طبسان نمی تواند طبس گیلکی و طبس مسینان باشد که در فاصله حداقل پنج روز راه از یکدیگر قرار داشته اند.^۱ بعد از یاقوت حموی در کتابهای مرآة الاطلاع (۲/ ۸۷۹)، تقویم البلدان (ص ۴۴۹)، نزهة القلوب (ص ۱۴۵) و جغرافیای تاریخی خراسان (ص ۳۰) طبسان و طبسین به طبس مسینان و طبس گیلکی تفسیر شده است.

در نوشته های پژوهشگران متأخر هم توضیح قانع کننده ای درباره طبسین دیده نمی شود. آن چه در دائرة المعارف الاسلامیه (ذیل مدخل طبس) درباره طبس خرما گفته شده و آن را همان طبس سفلی یاد شده در احسن التقاسیم دانسته و طبس گیلکی را کری یا کرین می داند، گرچه در برخی از منابع سده های پیشین آمده است (اصطخری، ۲۷۳؛ ابن حوقل، ۳۷۲) ولی مورد قبول همه جغرفیدانان مسلمان نیست. علاوه بر آن، توضیح قانع کننده ای درباره این که چرا طبس گیلکی یا طبس خرما همان کری است، ارائه نشده است.

لسترنج (ص ۳۸۵) در توضیح طبسین گفته جغرافیدانان سده ۶ ق. به بعد را تکرار کرده است. وی طبسین را به طبس خرما و طبس عُنَّاب^۲ تفسیر کرده است، ولی در جای دیگر (ص ۳۸۶) پس از بیان موقعیت کری یا کرین با استناد به گفته بلاذری آن جا را یکی از دو قلعه طبس دانسته و گوید «این امر تسمیه طبس خرما را به طبسین تجویز می کند». بدین ترتیب لسترنج نظر قطعی درباره طبسین ارائه نمی دهد و در یک جا از طبس خرما و طبس عُنَّاب و در جای دیگر از کری و طبس خرما به عنوان طبسین یاد می کند.

حدیثی (صص ۲۱۲ - ۲۱۳) با تکرار آن چه در منابع جغرافیایی سده های پیشین در مورد طبسین گفته شده، اطلاع بیشتری در اختیار ما نمی گذارد. اظهري (ص ۲۵) طبسین را به طبس و کرین - که اکنون به نام کریت از آن یاد می شود - تفسیر کرده و طبس عُنَّاب را غیر از طبس مسینان دانسته است که بر خلاف نظر جغرافی نویسان است که با صراحت

۱. به گفته ابن حوقل (ص ۳۸۰) مسافت میان طبس مسینان تا قاین دو روز و قاین تا طبسین سه مرحله است.

۲. این سخن لسترنج (ص ۳۸۵) که گوید «گاهی اشتباهاً طبسین بر هر یک از دو شهر اطلاق می شود» نادرست است؛ زیرا در هیچ یک از منابع از طبس مسینان به طبسین یاد نشده است.

طَبَس عُنَاب را همان طَبَس مسینان می‌دانند (لسترنج، ص ۳۸۷؛ حدیثی، ص ۲۱۴؛ هوار، دائرةالمعارف، مدخل طَبَس).

به طوری که قبلاً هم گفته شد جغرافی‌نویسان مسلمان تا پایان سده ۵ق. طَبَس مسینان را جزو طَبَسین ندانسته‌اند و طَبَسین و طَبَس مسینان را با هم به کار برده‌اند. قراین ذیل هم مؤید آن است که طَبَس مسینان نمی‌تواند یکی از طَبَسین باشد:

۱- روایات حاکی از آن است که جنوبی‌ترین بخش خراسان که در دوره خلافت عمر، در سال ۲۳ق. به تصرف مسلمانان درآمد، به نام طَبَسین نامیده شده است (طبری، ۲۷۰۴/۵؛ بلاذری، ۳۹۴؛ سمعانی، ۲۶/۴). قهستان که طَبَس مسینان بخشی از آن است در سال ۲۹ق. (سمعانی، ۵۴۳/۴) و به روایتی در سال ۳۱ق. (طبری، ۲۸۸۵/۵) در دوره خلافت عثمان گشوده شده است. بلاذری (ص ۳۹۴) گوید: بعد از گشودن طَبَسین ابن عامر فرمانده سپاه مسلمانان از مردم پرسید نزدیکترین شهر به طَبَسین کدام است؟ گفتند قهستان. بنابراین طَبَس مسینان که در جنوب شرقی قهستان واقع است، جزو طَبَسین نبوده است.

۲- از طَبَس گیلکی که در حاشیه شرقی کویر و محل اتصال راههای یزد، کرمان، نایین و اصفهان به خراسان قرار داشته به عنوان دروازه خراسان (بلاذری، ۳۹۴؛ ابن فقیه، ص ۳۱۸) و نقطه شروع فتح خراسان (ابن فقیه، همانجا) یاد شده است. طَبَس مسینان که در جنوب شرقی قهستان بوده به لحاظ موقعیت جغرافیائی، نمی‌توانست دروازه خراسان باشد.^۱

۳- جغرافی‌نویسان (اصطخری، ۲۷۴؛ ابن حوقل، ۳۷۲) یادآور شده‌اند که فقط طَبَسین نخلستانهایی دارد و سایر نقاط قهستان سردسیر است و بدون نخلستان. طَبَس

۱. مسلمانان برای رفتن از طَبَس گیلکی به طَبَس مسینان می‌بایست شهرهای خور، خوست و قاین را که در مسیر آنان بود می‌گشودند. با توجه به توصیف این شهرها در منابع جغرافیایی (نک: اصطخری، ۲۷۴؛ ابن حوقل، ۳۷۲؛ لسترنج، ۳۸۶ - ۳۸۷) قطعاً اهمیت هر یک از این شهرها کمتر از طَبَس مسینان نبوده است. اگر طَبَسین را به طَبَس گیلکی و طَبَس مسینان تفسیر کنیم، پرسشی که بدون پاسخ می‌ماند این است که چرا فتح طَبَس مسینان را - که از لحاظ موقعیت طبیعی هیچ ویژگی نداشته و بعد از گشوده شدن شهرهای خور، خوست و قاین به تصرف مسلمانان درآمده - اول فتوح خراسان و دروازه خراسان نامیده‌اند؟

مسینان که به سبب داشتن درختان عُنَّاب به طبس عُنَّاب هم نامیده شده در مناطق سردسیر است و نخلستان ندارد.

اینک، با توجه به آن چه پیش از این بیان کردیم، این سؤال عمده برای پژوهشگران مطرح می‌شود که شهر طبسین در کجای این منطقه قرار گرفته است. سپس اگر نقطه‌ای معین شده، باید دید دلائل و قرائنی که به تعیین آن نقطه انجامیده چه بوده است.

به گمان ما، تنها راه پی بردن به پاسخی منطقی آن است که بینیم تاریخنگاران و جغرافی نویسان، هر یک در این باب چه گفته‌اند.

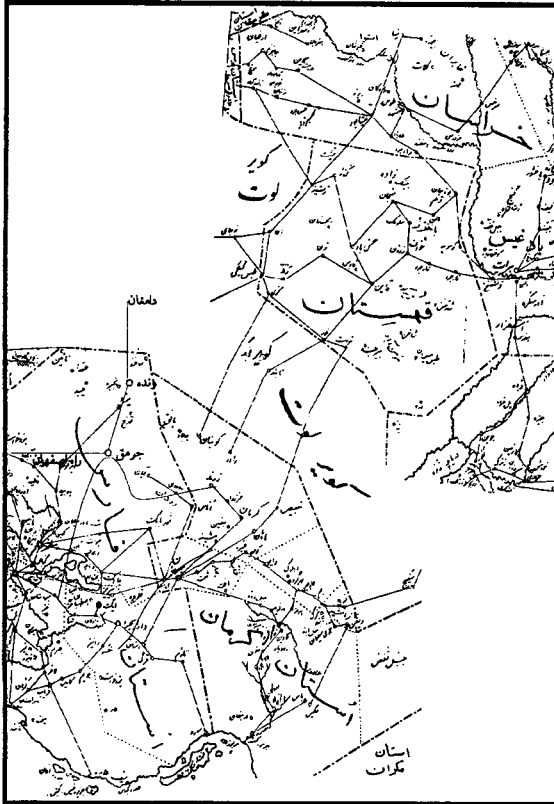
فتح خراسان، اعم از اینکه به گفتهٔ برخی از دانشمندان کهن چون بلاذری (ص ۳۹۴)، ابن اثیر (۳۳/۳) و سمعانی (۲۶/۴) و نیز معاصرانی چون باسورث (ص ۳۸) در دورهٔ خلافت عمر آغاز شده باشد، یا به عقیدهٔ پژوهشگرانی دیگر (مثلاً: یعقوبی، ۳۱۵؛ یاقوت، ۲۲/۴) در زمان خلافت عثمان، در هر صورت در اصل موضوع تغییری حاصل نمی‌کند. زیرا در هر حال می‌دانیم که مسلمانان بعد از گشودن شهرهای اصفهان، فارس و کرمان، و در همان احوال که یزدگرد عقب نشینی می‌کرد (طبری، ۲۸۸۱/۵؛ دینوری، ۱۳۹) از جنوب خراسان به پیشروی ادامه دادند. بسیاری از منابع تاریخی یادآور شده‌اند که مسلمانان از کرمان^۱ و از مسیر طبسین وارد خراسان شده‌اند (بلاذری، ۳۹۴؛ طبری، ۲۸۸۵/۵) و نخستین بخشی که از سرزمین گستردهٔ خراسان گشوده شد، همانا طبسین بود (ابن فقیه، ۳۱۸). سمعانی گوید: در دورهٔ خلافت عمر غیر از طبسین هیچ بخش از خراسان گشوده نشد.

سپاهیان فاتح اسلام، برای آن که از کویر پرمخاطره میان کرمان و خراسان گذر کنند و به شهر طبس خرما یا طبس گیلکی که یکی از طبسین (دو طبس) است وارد شوند، یکی از سه راه ذیل را پیموده‌اند (نک: نقشه):

۱. بنابر یکی از روایات، که اندکی غریب می‌نماید، سپاهیان مسلمان، از طریق اصفهان به طبسین رفتند (نک: طبری، ۲۸۸۵/۵). اگر این روایت را هم بپذیریم، مسلمانان بعد از گشودن طبس گیلکی، می‌بایست کرین را که به لحاظ وسعت و اهمیت در حد طبس گیلکی و در سه فرسخی آن بود، به تصرف در آورده و بعد به سرزمین قهستان وارد شده باشند.

خییص، خُوست^۱، خور، کُری، طبس گیلکی؛
 راور، خور، کُری، طبس گیلکی؛
 کوهبنان، کُری، طبس گیلکی؛
 طبری (۵/۲۸۸۵ - ۲۸۸۶)

در مورد مسیر مسلمانان از کرمان به طبسین دو روایت نقل کرده است: در روایت نخست مسیر مسلمانان را از بیابان رابر (راور) که حدود هشتاد فرسخ بوده، ثبت کرده است و در روایت دوم که مغشوش به نظر می‌رسد از شهرهای خییص، خواست (خوسف)، یزد و قهستان یاد شده است. در نهایت آن که مسلمانان برای ورود به طبس خرما هر یک از راههای کرمان - خراسان را پیموده باشند، از کُری عبور کرده‌اند و پیش از



فتح طبس مسینان آن جا را گشوده‌اند. کُری یا کُربین در سه فرسخی طبس خرما و در حاشیه شرقی کویر واقع شده و نخستین بخش خراسان بود که مسلمانان گشودند (افشار، ۲۸۳). در منابع جغرافیایی سده ۴ ق. از طبسین به کُری یاد شده (اصطخری، ۲۷۳) و بلاذری (ص ۳۹۴) آن را یکی از دو دژ طبسین دانسته است.
 با توجه به آنچه گفته شد طبسین نمی‌تواند طبس گیلکی و طبس مسینان که یکی در

۱. همان خوسف است که در منابع خوسف ثبت شده و در این مقاله همه جا خوسف آمده است.

غرب و دیگری در شرق قهستان است، باشد. طبسین مورد نظر مورخان و جغرافی نویسان که به عنوان دروازه خراسان یاد شده، دو شهر نزدیک به هم و از لحاظ موقعیت و امکانات اقتصادی دارای اهمیت بوده است. آن دو محل یکی طبس گیلکی یا طبس خرما و دیگری کُری یا کُرین بوده است. این دو محل علاوه بر آن که به لحاظ وجود چشمه‌های آب و زمینهای مناسب برای کشاورزی و نخلستانهای فراوان در منطقه‌ای که کویر آن را در بر گرفته، دارای اهمیت بوده و در آثار جغرافی نویسان به آن اشاره شده، محل اتصال راههای کرمان، فارس، اصفهان و یزد با خراسان بوده است که بر اهمیت منطقه می افزوده است. دلایل و قرائنی که حاکی انطباق که کُری یا کُرین با یکی از طبسین است عبارتند از:

۱- برخی از مورخان و جغرافی نویسان تصریح کرده‌اند که مراد از طبسین، طبس و کری است. احتمالاً بلاذری (ص ۳۹۴) که روایاتش در باره فتوحات مسلمانان، مورد قبول غالب مورخان است، نخستین کسی است که به این نکته اشاره دارد. او می گوید: «طبسین دو بارو است که یکی را طبس گویند و دیگری را کُرین. آن جای گرمسیر است و دارای نخلستانها و آن دو در دروازه‌های خراسانند». اصطخری (ص ۲۷۳) و ابن حوقل (ص ۳۷۲) از طبسین به نام کری یاد کرده‌اند. یاقوت حموی (۲۲/۴ - ۲۳) هم طبسان را دروازه خراسان و آن را در یک جا دانسته است. او در ذیل کرین گوید (۵۴۰/۴): «گفته می شود (کُرین) یکی از طبسین است». سمعانی (۶۱۸/۴) و صفی الدین بغدادی (۱۱۶۳/۳) کرین را یکی از طبسین دانسته‌اند. لسترنج (ص ۳۸۶) ضمن اشاره به گفته بلاذری که کری یا کُرین یکی از دو قلعه طبس است می گوید: «این امر تسمیه طبس خرما را به طبسین تجویز می کند».

۲- کُرین یا کری محل تقاطع مسیر شهرهای مرکزی و جنوبی ایران با خراسان بوده است. اصطخری (صص ۲۳۱ - ۲۳۴) بعد از توضیح منازل و مسافت راههای نایین به خراسان، راه شور که از حدود کرمان آغاز می شود و راه راور می گوید: «راه شور، یزد و نایین به کری با یکدیگر وصل شوند و در آن دیه هزار مرد ساکنند و آنجا ناحیه بزرگی است و میان طبس و کری سه فرسخ است». راه دیگری که اصطخری (ص ۲۸۶) از آن یاد کرده، راه قاین به طبسین است که راههای کرمان، یزد و نایین را به خراسان مرتبط

می ساخته است. راه ترشیز، بن، طبس که از نیشابور آغاز می شده و از مسیر نوجای و جرمق، خراسان را به دامغان و اصفهان و نایین متصل می کرد از دیگر راههای ارتباطی کویر بوده است (لسترنج، ۳۴۹ - ۳۵۰). ابن حوقل (ص ۳۴۶) که خود راهها را پیموده است، ضمن تصریح به این که راه یزد و شور و نایین در کرین به یکدیگر مرتبط می شوند (ص ۳۴۳)، از راههایی که به طبسین می رسد به شرح ذیل یاد کرده است:

راه اردستان به طبسین که راه کومش به دامغان از نیمه همین راه آغاز می شد.^۱ راه نایین به طبسین و راههای شور، راور و حَبِیص به طبسین (صص ۳۴۲ - ۳۴۶). ادرسی (۱/ ۴۴۶ - ۴۵۱) از راه حَبِیص به قهستان که از مسیر خور به طبسین ارتباط داشته و راههای راور به کرین، نایین به کرین و اصفهان به کرین یاد کرده است. او می گوید راه اصفهان به کرین راه خطرناک و کم آبادی بوده و ... کمتر در آن رفت و آمد می شده است. شبکه ارتباطی گسترده و اتصال آنها به یکدیگر در کرین سبب شد که طبس و کرین که در فاصله حدود بیست کیلومتری یکدیگر قرار دارند، به عنوان دروازه خراسان تلقی شود. رونق و شکوفایی اقتصادی کرین موجب شد که اگر اهمیت آن از طبس بیشتر نباشد،^۲ حداقل به عنوان شهری در حد طبس به حساب آید و مصداق طبسین که در متون به آن اشاره شده، باشد.

۳- گذشته از آن که ابن حوقل (ص ۳۷۲) و مقدسی (ص ۳۰۱) کرین را یکی از شهرهای قهستان و در ردیف تون و ینابد یا جنابد (گناباد) و قاین به حساب آورده اند، در نسخه خطی یکی از آثار محمدبن علی شاه طبسی که در سده ۹ ق. تألیف شده اشاره به پیشینه کریت دارد که در متون تاریخی و جغرافیایی از آن به کری یا کرین یاد شده است. «ابتدای مسلمانی در خراسان در زمین طاهر پندادین به قریه کریت در ولایت طبس گیلکی اول قریه کریت شهر بوده نفاذ یافته از قلعه کریت خود بیرون آمده بودند و دلیل طلبیده مسلمان شده اند» (افشار، ۲۸۳).

۴- وجود مسجدی که بنا به اظهار بعضی از معمرین محلی دارای کتیبه ای بوده که

۱. ناصر خسرو از همین راه وارد طبس شده است (سفرنامه، صص ۱۶۷-۱۶۸).

۲. جیهانی (ص ۱۷۰) از طبس کریت و اصطخری (ص ۲۷۳) و ابن حوقل (ص ۳۷۳) از آن به طبسین که به کری شناخته می شود یاد کرده اند.

تاریخ بنا را در دورهٔ خلافت عمر بن عبدالعزیز نشان می‌داده^۱ و بعداً به سرقت رفته و همچنین سبک معماری مسجد (نک: دانشدوست، ۲۸۲) که احتمال داده‌اند محل مسجد قبلاً آتشکده بوده، اهمیت کرین را در تاریخ نشان می‌دهد. مؤلف کتاب طرائق الحقایق (۳/۷۲۰) تاریخ بنای مسجد را سال ۱۴۰ق. ثبت کرده است. گذشته از آن وجود تپه‌هایی در کریت که هنوز شناسایی نشده می‌تواند یادآور اهمیت پیشینهٔ تاریخی آن جا باشد.

۵- اصطخری (ص ۲۳۲)، ابن حرقل (ص ۳۴۳) و ادریسی (۱/۴۵۰) از برکه یا برکهٔ بزرگی در حدود بیست کیلومتری کرین که سیل و باران در آن جمع می‌شده، یاد کرده‌اند. این برکه یا سد که هنوز هم از آن بهره‌برداری می‌شود و آب مورد نیاز کشاورزان کریت را تأمین می‌کند، سابقه‌اش در کتب جغرافیایی به بیش از هزار سال می‌رسد. با توجه به صعب‌العبور بودن منطقه‌ای که سد در آن ساخته شده و هزینه‌های آن و ناآرامیهای سیاسی سده‌های نخستین بعد از اسلام، بعید به نظر می‌رسد که در سده‌های ۱ تا ۳ق. حکمرانان محلی توانسته باشند چنین سدی^۲ بنا کنند و شاید بتوان روایتهای محلی را که سابقه سد را به پیش از اسلام می‌رساند، پذیرفت. بنا به نوشتهٔ مؤلف کتاب بناهای تاریخی طَبس (ص ۲۸۵) نزد زرتشتیان اسنادی وجود دارد که پیشینهٔ سد را به پیش از اسلام می‌رساند.

دشت وسیع و زمینهای زراعتی و سدی که سابقهٔ طولانی دارد می‌تواند قرینهٔ دیگری باشد بر این که کرین در سده‌های اول هجری به عنوان یک مرکز کشاورزی قابلیت جذب جمعیت زیادی را داشته و به عنوان یک شهر در نزدیکی طَبس خرما بوده و باعث شکوفایی اقتصادی کرین شده است. قرآینی دیگر نظیر رقمی که برای صلح با مسلمانان پرداخت شده (بلاذری، ۳۹۴) و روایت طبری (۵/۲۷۰۵) که «طَبسین دو ناحیه بزرگ هستند» اهمیت کرین را در پیش از اسلام تأیید می‌کند.

۱. این مسجد در زلزلهٔ سال ۱۳۵۷ ویران شده است.

۲. مطالعات زیادی در مورد این سد انجام شده و اکنون به عنوان یک طرح ملی در حال بازسازی است. بعد از حدود سه سال فعالیت راه ماشین‌رو برای رساندن مصالح ساختمانی به بالای سد ایجاد شده است. ۲۱ کیلومتر مسافت میان سد و قریه کریت لوله‌گذاری شده است.

با توجه به آنچه گفته شد کرین که در فاصله حدود بیست کیلومتری طبس قرار دارد، به عنوان یکی از دو طبس در سده‌های اولیه بعد از اسلام به عنوان یک مرکز کشاورزی و تجاری دارای اهمیت بوده و در سده ۱ و ۲ ق. با طبس خرما یا گیلکی پهلو می‌زده است و شاید هم با توجه به آنچه برخی از جغرافی‌نویسان نوشته‌اند بزرگتر و مهمتر از طبس بوده، ولی پس از آن به تدریج از موقعیت آن کاسته شده است.

کری یا کرین به احتمال زیاد تا اواخر سده ۳ ق. تا حدی موقعیت خود را حفظ کرده و به لحاظ رونق کشاورزی و عبور کاروانها از آن جا و تولید پارچه کرباس (حدود العالم، ص ۹۱) به عنوان یک مرکز اقتصادی فعال بوده است. از میانه سده ۳ ق. به دلایلی چند از جمله غلبه یعقوب لیث بر طبسین (ابن اثیر، ۲۶۶/۷)، جنگهای میان سیمجوریان، سامانیان، آل بویه و استقرار اسماعیلیان در طبس در سده ۵ ق. و حمله سلجوقیان به آن جا که ویرانی طبس و کرین را در پی داشته و تغییر مسیر راههای تجاری و کاهش تدریجی آب سد و طوفانهای شنی که کرین را در معرض خطر قرار می‌داد، از رونق آن کاسته شده و به عنوان یک قریه از آن یاد گردیده است. در عین حال جغرافی‌نویسان با عبارت «گفته شده کرین یکی از طبسین است» اشاره‌ای به گذشته آن کرده‌اند. از طرف دیگر همان طور که منابع متذکر شده‌اند، ایرانیان کلمه طبسین را کمتر به کار می‌برده‌اند و به صورت مفرد از هر یک از دو طبس یاد می‌کرده‌اند، ولی جغرافی‌نویسان عرب که با پیشینه و وضعیت منطقه آشنایی نداشته‌اند طبسین را به طبس خرما و طبس عُناب تفسیر کرده‌اند. با گذشت زمان و فراموشی گذشته کرین مؤلفان متأخر ایرانی نیز که با تاریخ طبسین آشنایی کمتری داشته‌اند، همصدا با جغرافی‌نویسان عرب طبسین را طبس خرما و طبس عُناب دانسته‌اند.

کتابشناسی

ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، ۱۳۹۹ ق.

ابن حوقل، صورة الارض، بیروت، بی‌تا.

ابن خردادبه، المسالک و الممالک، بغداد، افست از چاپ لیدن، ۱۸۹۹.

ابن فقیه، مختصر البلدان، لیدن، ۱۳۰۲ ق.

- ابن قتیبه، المعارف، قم، افست از چاپ دارالکتب، ۱۳۷۳.
- ابن الندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، به کوشش رضا تجدد، تهران، ۱۳۹۳.
- ابوالفدا، تقویم البلدان، بیروت، افست از چاپ پاریس، ۱۸۴۰.
- ادریسی، نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، بیروت، ۱۴۰۹ق.
- اصطخری، مسالک الممالک، تهران، افست از چاپ لیدن، ۱۹۲۷.
- اظهری، محمدرضا، «طبسین»، نشریه آموزش و پرورش خراسان، دوره ۷، ش ۵، (اردیبهشت ۱۳۵۰).
- افشار، ایرج، «آثار محمد بن علی شاه طبسی» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال ۵، ش ۲ (تابستان ۱۳۴۸).
- باسورث، ادmond کلیفورد، تاریخ سیستان، ترجمه حسین انوشه، تهران، ۱۳۷۰.
- بغدادی، صفی الدین عبدالمؤمن بن عبدالحق، مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع، بیروت، ۱۳۷۴ق.
- بلاذری، فتوح البلدان، قم، افست از چاپ بیروت، ۱۴۰۴ق.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، مشهد، ۱۳۶۸.
- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله خوافی، جغرافیای تاریخی خراسان، به کوشش دکتر غلامرضا ورهرام، تهران ۱۳۷۰.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران، ۱۳۶۲.
- الحدیثی، قحطان عبدالستار، ارباع خراسان، بصره، ۱۹۹۰.
- دانشدوست، یعقوب، بناهای تاریخی طبس، تهران، ۱۳۷۶.
- دائرة المعارف الاسلامیه.
- الدینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود، الاخبار الطوال، قم، بی تا، افست از چاپ قاهره.
- سمعانی، الانساب، بیروت، ۱۴۱۹ق.
- شیرازی، محمد معصوم (معصوم علیشاه)، طرایق الحقایق، به کوشش محمدجعفر محبوب، تهران، ۱۳۴۵.
- طبری، تاریخ، افست از چاپ لیدن.
- لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، ۱۳۳۷.

- مستوفی، حمدالله، *نزهة القلوب*، به تصحیح لسترنج، تهران، ۱۳۶۲.
- مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، بغداد، افست از چاپ لیدن، ۱۹۰۶.
- ناصر خسرو، *سفرنامه*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، ۱۳۷۳.
- یاقوت، *معجم البلدان*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۰ق.
- یعقوبی، *البلدان، ضمیمه الأعلاق النفیسه*، بغداد، افست از چاپ لیدن، ۱۸۹۱.